



نوشته : غلامرضا همراز

عارف شاعر

متعهد

و

مردم‌گرا

به یاد چهلمین سال
درگذشت عارف

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اشاره :

چهل سال پیش در چنین روزهایی (دوم بهمن ۱۳۱۲) عارف قزوینی شاعر ملی ایران که اشعار و تصانیف او مملو از احساسات و عواطف پاک و وطن پرستی است روی در نقاب خاک کشید . بدین مناسبت از فرصت استفاده نموده و برای بزرگداشت او با شرح مختصری درباره زندگی ، افکار و عقایدش یادش را گرامی می‌داریم .

زندگی‌نامه :

ابوالقاسم عارف شاعر ، موسیقیدان و تصنیف‌ساز سال ۱۲۵۹ خورشیدی (۱۳۰۰ هـ . ق) در قزوین بدنیا آمد . وی از همان کودکی به فراگرفتن ادبیات فارسی ، مقدمات عربی و موسیقی همت گماشت . در سن سیزده سالگی

برای فراگرفتن موسیقی به مرحوم حاجی صادق خرازی سپرده شد . و این راه را آنگقدر ادامه داد تا خود به مقام بزرگی در موسیقی نایل آمد در ۱۶ سالگی به سرودن شعر پرداخت . آواز خوش و طبع روان او را به دربار ناصرالدین‌شاه کشاند ولی پس از دیدن ابتذال دربار ناصری به قزوین گریخت پس از چندی نغمه مشروطه‌خواهی از هرسو بلند شد . عارف که خود ستم‌ها دیده بود به آزادی خواهان و مشروطه‌طلبان پیوست و تا آخر عمر تمام ذوق و قریحه و استعداد و هنر خود را وقف آزادی و استقلال ایران نمود . عارف در دوران جنگ بین الملل اول (۱۹۱۴) همراه مهاجران به عثمانی رفت ، و در بازگشت به میهن از قیام آذربایجان به رهبری « شیخ محمد خیابانی » و نهضت خراسان به دست « کلنل محمدتقی‌خان پسیان » پشتیبانی کرد . شهادت دو رادمرد بزرگ و فرزندان خلف این مرزوبوم خاطر وی را سخت آزرده کرد و باعث شد اشعار و تصانیف هیجان‌انگیزی در مدح و رثاء آن دو شهید راه

حریت بسراید و فریاد برآورد :

کسم بشهر نبیند شدم بیابان گرد
ز غصه کلنل و ز غم خیابانی

عارف هرگز مکان یا شهر مخصوصی را برای سکونت انتخاب نکرد. و همیشه بدامن طبیعت پناه میبرد. و با وسایل مختصری که شامل یک چادر و رختخواب و مقداری وسایل خوراک میشد در شهرهای ایران به گشت و گداز میبرد و حتی سفری نیز هنگام مهاجرت از ایران به همراه مهاجران به ترکیه و عراق نمود.

عارف تا آخر عمر همسری اختیار نکرد و به سختی روزگار گذراند. از دیدن ابتذالهای زمانه بی‌اندازه پریشان‌حال و اندوهگین بود او عصر خود را در مبارزه با کهنه‌پرستان فکری، دینی و سیاسی سپری ساخت و برای آزادی زنان و رفع حجاب کوشش‌های فراوان نمود. و بحق می‌توان گفت که هیچ سراینده و شاعری - در دوره انقلاب مشروطه - همچون عارف در نهضت فکری ملت ایران اثر نگذاشته است. و به قول خودش: «خیلی بدترت واقع می‌شود که یکنفر هم استاد موسیقی باشد، هم خواننده‌ای بی‌نظیر، هم اول آهنگ ساز یعنی مبتکر در آهنگ، هم شعرساز و گذشته از همه اینها بقدری علاقمند به وطنش باشد که جان خود را در راه آن اینطور تمام کند، بدون اینکه بقدر سر مویی آرزوی مقام و مرتبه‌ای را داشته باشد.» (۱)

او از میان مردم زحمتکش برخاست، پاک و سربلند و گردن‌قراز زیست و تسلیم زور و زرنشد. مداحی و خوشامدگویی - جز به حکم تشخیص خویش - از کسی نکرد و هیچ شعر سفارشی و دستوری ننمود و هنر خود را از غزل و تصنیف - هر چه بود، در اختیار مردم گذاشت و به پای مردم ریخت. او مبلغ بی‌ریای آزادی، منتقد بی‌پروای سیاسی و اجتماعی، ترجمان اراده و احساسات توده مردم و بدریک کلمه شاعر ملی و رسمی انقلاب مشروطه ایران بود. (۲)

عارف در روز دوم بهمن هزار و سیصد و نوزده در سن پنجاه و سه سالگی با حالی نزار در همدان درگذشت و در حرم آرامگاه این سینه به خاک سپرده شد.

هرگز نمیرد آن پدری که تو پرورید

و آن مادری که چو ناتو پسر زاده‌مان

بر خاک عاشقان وطن گر کند عبور

عارف، هر آنکسی که کند یاد زنده‌مان

عارف غزل سرا :

چنانکه از مطالعه دیوان عارف بر می‌آید، او غزل می‌تواند در حدیث غزل‌سرایان نامی ایران بشمار آورده. عارف اگرچه در شعر، سبک شاعران سلف را در پیش گرفت اما هرگز صرفاً از آنها پیروی نکرد.

در اشعارش از لفاظی‌های خشک و بوسیده، و کنایات پیچیده و استعارات دور از ذهن و کنایات پیچیده و تعقیدات لفظی و معنوی اثری نیست، و هرگز به بازی با قوالب و اوزان شعری نپرداخت. از مهمترین اختصاصات سبک شعری عارف این بود که مضامین اشعارش را از میان مردم انتخاب می‌کرد. هر چه بیان می‌کرد چیزی بود که خود آنرا احساس کرده بود، و جنبه عینی و واقعی داشت.

او همانطور که وظیفه‌ی یک شاعر واقعی است، در میان مردم و طبقات مختلف اجتماعی زیست می‌کرد، و احتیاجات و خواست‌های آنها را لمس می‌نمود. و بدین جهت بود که به محض پراکنده شدن اشعارش در مدتی خیلی کوتاه (با وجود عدم وسایل سریع ارتباطی امروزی) ورد زبان خاص و عام می‌شد و قلب و روح آن‌ها را تسخیر می‌کرد بطوری که حتی مردم بی‌سواد هم اشعاری چند از او بخاطر داشتند. آوردن معانی بکر و تشبیهات جدید از اختصاصات دیگر شعری اوست

در اشعار عارف هماهنگی و ترکیب و پیوستگی کاملی را می‌توان دید که از آشنایی با موسیقی ایران سرچشمه می‌گیرد، و از این جهت واجد لطافت خاصی است. آثار او رنگ تکلف ندارد و فقط راه طبیعی خود را سیر

می‌کند و از خواست شاعر که آن‌ها هم ملهم از خواست اجتماع است پیروی میکند. باید گفت که او هرگز شعر سفارشی و فروشی ننمود.

عارف این شاعر پرشور از اولین کسانی بود که مسایل سیاسی و اجتماعی را در شعر گنجانید و در بیداری اذهان و تئور افکار و پیشبرد جریان‌های اجتماعی و انقلابی سهم بسزائی داشت.

یکی از عارف‌شناسان درباره‌ی اشعار عارف چنین می‌گوید:

«هدف شعرهای بعد از انقلاب (مشروطه) عارف یک آزادی بی‌غلویش بوده است. او همواره بر ضد ریا و تعصب و اغراض و فرقه‌بازی و حکومت‌اشراف و نفوذ بیگانگان جنگیده و از این جهت بهترین مدافع ادبی روح حریت ایران بوده است.» (۳)

در ذیل غزل معروف به «پیام آزادی» را که پس از فتح تهران بدست مشروطه‌خواهان و خلع محمدعلی میرزا (۱۳۲۷) سروده شده است می‌آوریم:

پیام آزادی :

پیام دوشم از پیر می‌فروشی آمد

بنوش باده که یک ملت به هوش آمد

هزار پرده ز ایران درید استبداد

هزار شکر که مشروطه پرده پوش آمد

وطن‌فروشی ارت است این عجب نبود

چرا که اول آدم وطن فروش آمد

کسی که رو به سقارت بی‌امیدی رفت

دهید مژده که لال و کر و خموش آمد

صدای ناله عارف به گوش هر که رسید

چون دلفسرد و چون چنگ در خروش آمد

عارف تصنیف‌ساز :

تصنیف نوعی شعر است که با توجه به مقامات و نغمات و دستگاه‌های موسیقی ساخته می‌شود. تصنیف از قدیم در ایران معمول بوده است، و موضوع آن گاهی عشق و عاشقی و بیوفائی معشوق بوده و یا لحنی شدید و طنزآمیز نسبت باشخاص داشته. سراینده‌گان این تصانیف چون از میان مردم عادی برخاسته‌اند، کم‌کم می‌آمده‌اند. اغلب این تصانیف بطرز بسیار زنده و مبتذل و زنده‌اند. و هیچ‌گونه ارزش ادبی و هنری نداشت. اگر از سراینده‌گان این نوع تصانیف بگذریم، به افرادی - از جمله میرزا علی‌اکبر خان شیدا - که بطور جدی وارد میدان شدند بر می‌خوریم. وی با تغییراتی که در شکل تصنیف داد، توانست تصنیف‌های دلنشینی بوجود آورد. ولی با همه این‌ها باید تصنیف‌سازی را حق مسلم عارف دانست وی براساسی در این فن استادی مبتکر و پیشرو بود و تصنیف را از حال فلاکت‌باری که داشت بیرون آورد. عارف از اولین کسانی بود که در ایران تصنیف ملی و وطنی ساخت. و بی‌شک تصنیف سازی بدین صورت از ابتکارات عارف است زیرا وی علت اینکه خود موسیقیدان و خواننده و شاعر بود می‌توانست تصنیف‌ها را بوجهی دلپذیر و نافذ عرضه کند او این سه هنر را در هم می‌آمیخت و با مهارت و استادی مضامین و تصانیفی بوجود می‌آورد که گویی رشته‌های آن از جان و دلت تنیده شده است. عارف ترانه‌ها و تصانیف پرشور را برای تحلیل و احترام به آزادی و استقلال ایران سروده است.

او با ساختن تصانیف میهنی و خواندن آن‌ها در میان مردم شوری‌بیا می‌کرد که تا اعماق قلبشان اثر می‌گذاشت دل‌ها را به تکان می‌آورد و مردم را علیه ستمکاران و بیگانگان برمی‌انگیخت، وی به سختی و با خشونت به مخالفین مشروطه و آزادی حمله می‌برد، به همین جهت بدفعات مورد شکنجه و آزار و یا بی‌مهری عمال وقت قرار گرفته است.

عارف شاعر متعهد و مردم‌گرا (بقیه)

این تصانیف آیینی تمام‌نمای دوران تحول فکری و تجدد ملت ایران و حتی می‌توان گفت که یک‌دوره تاریخ مجمل زمان انقلاب مشروطیت است. تصانیف عارف علاوه بر ارزش ادبی، شعری و اجتماعی، محرک احساسات و وطن‌پرستانه مردم در مقابله با زور و ستم و مشوق آن‌ها در این راه بوده است. به خصوص که افکار و عواطف و اهداف خود را به زبان موسیقی بیان می‌کرد.

صدای ناله عارف بگوش هر که رسید
چون دف برزد و چون چنگ در خروش آمد

برای نمونه تصنیف مشهور «حیدرخان عموغلی» را بر زیر می‌آوریم: تصنیف هفتم دشتی: این تصنیف در دوره دوم مجلس شورای ایران در طهران ساخته شده است. بواسطه عشقی که حیدرخان عموغلی بدان داشت میل دارم این تصنیف به یادگار آن مرحوم طبع گردد.

عارف

(۱)

هنگام می و فصل گل و گشت (جانم گشت و خدا گشت و) جهان شد
دربار بهاری تویی از زاغ و (جانم زاغ و، خدا زاغ و) زغن شد
از اثر کرم خطه ری رشک ختن شد.
دل‌تنگ چون مرغ (جانم مرغ) قصص بهر وطن شد
چه کجرفتاری ایجرج
سرکین داری ایجرج
(نه آیین داری) ایجرج.

(۲)

از دست عدو ناله من از سر درد است
اندیشه هر آنکس کند از مرگ نه‌مرد است
جانبازی عشاق نه چون بازی نرد است
مردی اگر ت هست کنون وقت نبرد است
چه کجرفتاری... الخ

(۳)

عارف ز ازل تکیه بر ایام نداشت
جز جام‌یکس دست چو خیام نداشت
دل جز بسرزلف دل‌ارام نداشت
صد زندگی تنگ بیک‌نام نداشت
چه کجرفتاری... الخ

- (۱) شرح حال عارف به قلم خود او، دیوان، چاپ چهارم، ص ۴۵۰
(۲) یحیی آری‌ن‌پور، از صبا تا تیما، چاپ دوم، ص ۳۵۷
(۳) عارف و ذوق ادبی و... دیوان، چاپ چهارم، ص ۵۹

غلامرضا همراز

مفهوم هوش (بقیه)

رایج بود بکار گیرند. در ۱۹۳۲ اسپیرمن (۲۵) چنین اظهار کرد: «به آنان که هنوز درباره هوش سخن می‌گویند، که می‌پندارند می‌توانند آنرا برآورد کنند یا حتی اندازه بگیرند، که به اتکای این برآوردها و اندازه گیریها، بسادگی سرنوشت زندگی کودکان را تعیین میکنند... و این همه را انجام میدهند، بی آنکه بدانند منظورشان از خود واژه هوش چیست».

همچنین آیزنک (۲۸) در ۱۹۵۳ هنگام بحث درباره ماهیت هوش با تأیید تکه‌ای از گفته‌های تورستن (Thurston) را نقل می‌کند: «ترکیب هائی که از طریق آنها نمود یا پدیدار طبیعی فهمیده میشود، ابداعات ساخته انسانست. کشف یک قانون علمی تنها عبارتست از کشف اینکه یک طرح انسان-ساخته بکار گرفته میشود تا گروه معینی از نمودهای طبیعی وحدت پیدا کنند و در نتیجه فهم آنها ساده شود. یک قانون علمی نباید چنان تکرر شده شود که گوئی‌داری وجود مستقلی است، وجودیکه برای دانشمندان با دلخوشی

در این مقاله به بررسی مفهوم هوش پرداخته شده است. نویسنده به تعاریف علمی و روانشناسانه هوش اشاره کرده و به اهمیت آن در زندگی انسان اشاره کرده است. همچنین به روش‌های اندازه‌گیری هوش و به‌کارگیری آن در زمینه‌های مختلف اشاره کرده است.

(To Stumble Upon)

کتابخانه آگین (بنیبه)

منظومه‌های پیام‌آوران دل‌باختگی، وفا، صداقت، دوستی و عشق هستند. داستان حاضر از گونه‌های منظومه‌های غنائی و عاشقانه بوده و بسی لطیف و زیباترین است. در تمام طول داستان بازتابی از خواست‌ها، حسرت‌ها و آرزوهای مردم به شکل اشعار و امثال دلنشین محسوس است. علاوه بر این از آنجا که مطالب و حتی جملات بکار رفته برای بیان آنها، از درون مردم نشأت گرفته، واقعی‌ترین و اصیل‌ترین شکل فرهنگ عامه را به خواننده ارائه میدهد. برگردان فارسی داستان هم با توانایی و چیرگی کامل انجام پذیرفته است و حالت مسلط در سرتاسر اشعار ساده و زیبا بودن آنها است. بطور کلی کار در سطحی است که میتوان آنرا ارزشمند و درخور ستایش خواند.

برای شناخت انواع آنها علاوه بر این کتاب: «منظومه‌های آذری را فولکلور شناسان معاصر در دو گونه‌های «منظومه‌های حماسی» و «منظومه‌های غنائی» نوعبندی کرده‌اند. در منظومه‌های حماسی که مهمترین آنها، منظومه‌های نام‌آور «کورب-اوغلو»، «قاجاق‌نی»، «قاجاق‌کرم»، «ستارخان» و غیره هستند، مبارزه‌های حق طلبانه‌ی مردم درازنای تاریخ پر فراز و نشیب تصویر شده است. برخی از آن‌ها نظیر منظومه‌ی «کور اوغلو» از نامبردارترین آثار فرهنگی بشری هستند.

نوع عظیم و گسترده‌ی منظومه‌ها، منظومه‌های غنائی و عاشقانه‌اند که پربرابرترین بخش فولکلور آذری را تشکیل میدهند. این گونه‌ی منظومه‌ها به خلاف منظومه‌های حماسی، محصول زمان صلح و دوران آرامش تاریخ این سرزمین است. قهرمانان اینگونه

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم

(ایضاً)